

چاپ بیست و هفتم

۱ مجموعه کتاب های سرنوشت انسان

طعم مرگ

■ جمع آوری :
مهدی فرودی

مرگ چیست؟

بشر از آغاز خلقت برای شناخت مرگ تلاش‌های زیادی کرده و همواره در پی این بوده تا بداند این چیست که پایان عمر آدمی است و به زندگی‌اش پایان می‌دهد؟

علماء، دانشمندان، متفکران و فیلسوفان زیادی در این باره تحقیقاتی کرده و نظریاتی بیان کرده‌اند؛ که برخی از آن نظریات مقبول و بعضی مردود شناخته شده ولی بهترین راه‌گشا در این موضوع کلام خداوند متعال و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد زیرا خداوند متعال آفریننده همه چیز از جمله مرگ می‌باشد:

﴿الذی خلق الموت والحیة لیبلوکم ایکم احسن عملاً﴾

«آن کسی که مرگ را آفریده، تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید.»^(۱)

مرگ به معنی نبودن حیات دنیوی است. و در واقع انتقال از حیات مادی این جهان به حیات اخروی ملکوتی. به عبارت دیگر انسان زندگی دنیوی را ترک گفته و به زندگی ابدی اخروی منتقل می‌شود پس مرگ آخرین منزل دنیا و اولین منزل آخرت است.

روایات اهل بیت معصومین علیهم‌السلام نیز معنی منتقل کننده بودن موت برداشت می‌شود: حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«فسابقوا رحمکم الله الی منازلکم التی امرتم ان تعمروها و التی رغبتم فیها و دعیتم الیها؛

پس به سوی منازل خود پیشی گیرید، (خدا شما را رحمت کند) منازلی که مأمور گشتید تا آن‌ها را آباد کنید منازلی که میل به آن داشته



و به سوی آن دعوت شدید.»

حضرت در حدیث فوق مرگ را انتقال دهنده از این دنیا خوانده اند و به اندوختن زاد و توشه سفارش نموده اند.

همچنین حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به یاران خویش فرمودند: «مرگ فقط پلی است که شما را از سختی و بلا و فلاکت و بدبختی‌ها به باغ‌های وسیع و نعمت‌های همیشگی سوق می‌دهد؛ پس کدامیک از شما منتقل شدن از زندان به کاخ را خوش نداشته و از آن کراهت می‌ورزد؟ و این مرگ برای دشمنان شما همانند کسی است که از کاخ به زندان و عذاب منتقل گردد...»

همانا پدرم از رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ برای مؤمنان مانند پلی است که آن‌ها را به بهشت و باغ‌هایشان می‌رساند، همانطور که برای آنان (دشمنان شما نیز)، پلی خواهد بود که به جهنم سوقشان می‌دهد. نه من دروغ گفتم و نه پدرم به من دروغ گفته است. ^(۱)

و نیز از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده که می‌فرماید:

«لکل دار باب و باب دار الآخرة الموت؛

هر خانه دری دارد و در خانه آخرت مرگ است.»

هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید

اگر ذائقه کسی سالم باشد و خللی در قوه چشایی او ایجاد نشده باشد وقتی به او غسل داده شود طعم شیرین و گوارای غسل را می‌فهمد اما اگر همین شخص دچار عارضه چشایی شده و مثلاً سرما خوردگی



شدید کام اور اتلخ کرده باشد، غسل هم به او بدهند نه تنها طعم مطلوب آن زانمی فهمد، احساس نامطلوبی هم نسبت به آن پیدا می کند.

طبق آیات قرآن هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید اگر ذائقه اش سالم باشد و بر اثر گناه و عصیان بیمار نشده باشد وقتی نظر او را نسبت به مرگ جو یا شوند، می گوید: «أحلی من العسل» یعنی از غسل شیرین تر است. اما اگر ذائقه اش بر اثر مرض های روحی و معنوی بیمار شده باشد مرگ در نظرش بسیار تلخ و سخت خواهد بود لذا طعم مرگ که به ناچار هر کسی باید بچشد بسته به سلامت یا بیماری اش خاص متفاوت است برای یکی شیرین و برای دیگری تلخ.

قرآن کریم مرگ را یک قانون الهی می داند و می فرماید: «کل نفس ذائقة الموت»^(۱) «همه کس طعم مرگ را می چشد...»

آری، زندگی جاوید و حیات بدون مرگ در دنیا ممکن نیست، و مرگ سرنوشت حتمی همه انسان ها است. غنی و فقیر، پیر و جوان، سالم و مریض خواهند مرد. با آن که مرگ در قضای خداوند یک سرنوشت حتمی و یک مقدار اجتناب ناپذیر است، اما بیشتر مردم بر اثر عشق و ورزیدن به زندگی و آرزوهای دراز که در سر می پروراند از آن غافلند و آنچنان سرگرم دنیای خود هستند که گویی باور ندارند روزی مرگ سر وقت آنان می آید و به زندگی شان خاتمه می دهد.

باهل او حمیم ذی اکتیاب
کان الموت کالشیء العجاب
نبی الله فیه لم یحآب

عجبت لجازع باک مصاب
شقیق الجیب داعی الویل جهلا
وسوی الله فیه الخلق حتی



لَهُ مَلِكٌ يَبْأَدِي كُلَّ يَوْمٍ لِّدَوِّ الْمَوْتِ وَإِنِّي لِلْخَرَابِ^(۱)

از کسی که مصیبت دیده، و خانواده یا نزدیکان خود را از دست داده و ناله می‌زند و گریه می‌کند تعجب می‌کنم.

گریبان را چاک می‌زند و از روی نادانی اظهار ناراحتی می‌کند، گویا مرگ در نظرش چیز عجیبی است.

تمام مخلوقات خدا تا آنجا در مرگ مساوی هستند که پیامبر خدا ﷺ هم در برابر مرگ نیست.

او فرشته‌ای دارد که همه روزه فریاد می‌زند؛ برای مردن بزاید، و برای خراب شدن بسازید.

مرگ را بهتر بشناسیم

رسول اکرم ﷺ در روز بدر رویه شهدای بدر کرده و فرمودند:

«هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟ أَيُّ كُفَّةٍ شَدَّكَانَ أَيَّا أَتَجِبُ رَاكَةً
پروردگارتان به شما وعده داده بود، حق یافتید؟»

بعضی از اصحاب گفتند: یا رسول الله ﷺ این‌ها که مرده‌اند چگونه با ایشان سخن می‌گویید در حالی که جسدی بیش نیستند؟

حضرت فرمودند: «انهم اسمع منكم»

هم اکنون ایشان از شما شنواترند و فهم و ادراک ایشان از شما بیشتر است.^(۲)

البته مشخص است که منظور از این حدیث شنیدن و درک با گوش

مادی نیست بلکه منظور شنیدن و ادراک برزخی است که هم مسائل

۱- دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه زمانی، ص ۷۵.

۲- نراقی ملا احمد، معراج السعاده، ص ۱۰.



این جهان و هم مسائل برزخ را درک می‌کنند. همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

«الناس نیام فاذا ماتوا انتمهوا!»

مردم در خوابند وقتی مردند بیدار می‌شوند.»

شبهت خواب و مرگ و اثبات وجود حقیقتی به نام روح

انسان هر شب در عالم رؤیا صحبت‌ها و گفتگوهای دارد بدون اینکه زبان و یالب او جنبش و تکانی داشته باشد و کسی که نزدیک این شخص بیدار است صدایش را نمی‌شنود و سیر و سفرهای او را در کوه و صحرا و جاهای دیگر نمی‌بیند.

این‌ها نشان دهنده این است که حقیقتی به جز این جسم مادی در ما وجود دارد.

خداوند متعال خواب دیدن را در وجود انسان برای این قرار داده تا واقعیت پرواز روح از کالبد جسم را به او بفهماند و این اتفاق از دوران کودکی تا پیری هر چند وقت به وقوع می‌پیوندد، تا انسان زندگی در عالم برزخ و قیامت را انکار نکند. چنانچه از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که: «بشر در ابتدای خلقت رؤیا نداشت، و بعد از مرور زمان خداوند به او عطا کرد و آن بعد از وقتی بود که خداوند متعال پیامبری را برای دعوت و هدایت مردم زمانش فرستاد؛ او مردم را به اطاعت و بندگی پروردگار امر می‌کرد. آن مردم گفتند: اگر ما خدا را پرستیم در برابرش چه داریم، در حالی که دارایی تو از ما بیشتر نیست؟»

آن پیامبر فرمود: اگر اطاعت خدا کنید، جزای شما بهشت است و اگر معصیت کرده و حرف مرا نشنیده گرفتید، جای شما دوزخ است. گفتند: بهشت و دوزخ چیست؟ برایشان توصیف کرد و توضیح داد.



پرسیدند کسی به آن می‌رسیم؟ فرمود: هنگامی که مردید. گفتند: ما می‌بینیم که مرده‌های ما پوسیده و خاک می‌شوند و برای آن‌ها چیزی از آنچه وصف کردی نیست؟ و آن پیغمبر را تکذیب کردند.

خداوند رؤیا را برای آن‌ها قرار داد. در خواب دیدند که می‌خورند، می‌آشامند، حرکت می‌کنند و می‌گویند و می‌شنوند و... و چون بیدار شدند، اثری از آنچه دیده بودند، ندیدند. نزد پیغمبرشان آمدند، و خواب‌های خود را بیان کردند. آن پیغمبر فرمودند: خداوند خواست حجت را بر شما تمام کند. روح شما هم، اینچنین است. هنگامی که مردید هر چند بدن‌های شما در خاک پوسیده می‌شود ولی روح‌های شما در عذاب و یا در ناز و نعمت می‌باشد.»

از حضرت جواد علیه السلام سؤال شد: «مرگ چیست؟»

ایشان در جواب پاسخ دادند: مرگ همان خواب است که هر شب سروقت شما می‌آید، جز آن که مدت خواب مرگ طولانی است و آدمی از آن خواب بیدار نمی‌شود جز روز قیامت.»^(۱)

شبهت و همانندی خواب و مرگ به اندازه‌ای است که رسول گرامی اسلام هر وقت از خواب بیدار می‌شدند، خدا را اینگونه حمد و سپاس می‌نمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَالِيَهُ الشُّكْرُ؛ سپاس خداوندی را سزااست که ما را پس مردن دوباره زنده کرد و حشر و پیرانگیختن مردم در قیامت به سوی او خودهد بود.»

باید توجه کرد که مسأله خواب مثل خیال کردن نیست که انسان

۱- معانی الاخیار، ج ۲، ص ۱۹۵؛ در توضیح این مطلب گفته می‌شود که کسی که در خواب است متوجه نیست که وقایعی که می‌بیند در خواب است و آنها را واقعی می‌پندارد و واقعاً از خوشی‌هایی که در خواب می‌بیند لذت می‌برد و از عذاب‌های آن رنج می‌برد.



دردم چشمش را روی هم بگذارد و تصوّر چیزی را بکند، خیال صوت و تصور صوت غیر از حقیقت صوت است. چنانچه اگر در خواب حادثه وحشتناکی را بینیم و یا صدای مهیبی بشنویم بسیار می ترسیم در صورتی که اگر تصور آن را بکنیم اصلاً نمی ترسیم.

همچنین اگر شخصی را در خواب بینیم می گوئیم فلانی را دیدم در صورتی که اگر تصور دیدن آن شخص را بکنیم هیچ گاه نمی گوئیم او را دیدم.

خواب و مرگ از یک جنس هستند

تمام فلاسفه و حکمای بزرگ جهان متحیرند که حقیقت خواب چیست. همانطور که از درک حقیقت مرگ عاجزند، و هیچ یک از آن‌ها تا بحال نتوانسته است به اسرار خواب پی برد و از حقیقت آن پرده بردارد، کما اینکه هیچ یک از آن‌ها نتوانسته است به اسرار مرگ پی برد و به واقعیت آن دست یابد.

در حال خواب بدن انسان روی زمین است و روح انسان سیر در عوالم دیگر می کند و سپس بر می گردد، و در حال مردن هم بدن روی زمین یا زیر زمین است و روح به عوالم دیگر می رود و دیگر بر نمی گردد.

﴿اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۱)

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «خداست که جان‌ها را می گیرد در وقت مرگشان، و نیز آن جان‌هایی را که در خواب هستند و



مرگشان نرسیده است. پس آن جان‌هایی که حکم مرگ را بر آن‌ها جاری کرده در نزد خود نگاه می‌دارد و دیگر به بدن باز نمی‌گرداند، ولی آن جان‌هایی که در خواب رفته و هنوز مرگشان نرسیده است آن‌ها را رها نموده تا هنگام بیدار شدن به بدن برگردند و تا أجل مستمی و زمان معین در بدن باقی باشند؛ و در این امر نشانه‌هایی از قدرت و توحید اوست برای مردمانی که تفکر بنمایند.»

این آیه صراحت دارد بر آنکه مرگ و خواب هر دو از یک جنس هستند. هم وقت مرگ و هم وقت خواب در هر دو حال خداوند جان را می‌گیرد، ولی آن کس که اجلش رسیده باشد، جان او نگه داشته می‌شود، و کسی که هنوز اجلش نرسیده باشد، جانش را در موقع بیداری به او برمی‌گرداند.

باید توجه کرد که خداوند متعال گرفتن جان را که مشترک بین خواب و مرگ است به لفظ «توفی» بیان کرده است نه به لفظ «قبض». چون معنای توفی، یعنی «گرفتن تمام چیزی به طور کام» ولی معنای قبض، «گرفتن و ربودن» است.

در حال مرگ و خواب خداوند جان را می‌گیرد به واقعیت و حقیقت گرفتن؛ ولی در حال مرگ علاوه بر آن قبض می‌کند یعنی می‌رباید که دیگر قادر به بازگشت نیست، و در حال خواب به همان توفی اکتفا نموده و سپس جان را رها می‌کند.

و نیز در آیه دیگر که در خصوص خواب وارد شده است به لفظ توفی تعبیر شده است:

«وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ

حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در باره چگونگی حال محترض این چنین می فرمایند:

... سپس مرگ لحظه به لحظه پیکر او را فرا می گیرد، پس بین او و گفتارش جدایی و بریدگی می افکند (زبانش از کار افتاده ولی هنوز چشم و گوشش از کار نیافتاده اند) و تحقیقا که او در میان اهل خود می باشد و با دیدگانش می بیند و با گوشهایش می شنود، عقلش نیز تمام و صحیح است و ادراکاتش به جا و به موقع است. در این حال در عالمی از فکر فرو می رود که در چه چیزهایی عمر گرامی خود را به باد داده، و به چه چیزهایی روزگار پر بهای خود را به پایان رسانیده است: به خاطر می آورد اموال خود را که چگونه اثباتش، و در راه به دست آوردن آنها دقت و تامل نکرده و آنها را، چه از راههایی که حلال بودن آنها روشن بوده و چه از مواردی که شبهه ناک بوده، از هر جا به دستش رسیده گرد آورده است. . . به خوبی درک می کند که این اموال را خواهد گذارد تا برای دیگران باشد و پس از مرگش از آن استفاده کنند و بدان وسیله در نعمت فرو روند و بهره ها گیرند: که در این صورت لذت بی رنج و گوارا برای آنان است و بار سنگین وزر و وبال آن بر عهده اوست. . . مرگ نیز کم پیشتر می آید و در تصرف در بدن او قدمی فراتر می نهد تا جایی که بر گوشش هم غلبه می کند و . . . از همین کتاب



مجموعه کتاب‌های سرنوشت انسان

برای تهیه این مجموعه هفت جلدی با ما تماس بگیرید.

مرکز پخش کتاب هفت

۰۹۱۲۷۵۳۹۹۱۲ - ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۸۹

